

## از مصوبات پلنوم اول

در مورد سیاست حزب کمونیست کارگری عراق در  
برخورد به بحران حزب کمونیست کارگری ایران  
قدردانی از کورش مدرسی

صفحه ۳

## تهدید فاتح شیخ توسط لومپنهای ناسیونالیست

کرد محکوم است

صفحه ۶

# کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

شماره ۴ - ۳ مهر ۱۳۸۳ - ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۴

سردبیر: کورش مدرسی جمعه ها منتشر میشود [www.komonist.com](http://www.komonist.com)



پلنوم اول حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
۲۷ تا ۲۹ شهریور ۱۳۸۳ - ۱۷ تا ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۴

## پلنوم اول کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست برگزار شد



### اسلام سیاسی با دندان هسته ای کابوسی که تنها مردم میتوانند مانع آن شوند.

koorosh@ukonline.co.uk

کورش مدرسی

هیروشیما و ناکازاکی، وسیعترین بکارگیرندگان سلاح های شیمیایی علیه مردم ویتنام، کسانی که کل مردم عراق را در ابعاد میلیونی برای سالها گرسنگی دادند و امروز آنها را در راه منافع خود به جهنم دست ساز خود و اسلام سیاسی انداخته اند، در فکر مردم جایی نیستند. همین امروز

بقیه در صفحه ۴

ابتدا باید یک نکته را روشن کرد. تلاش غرب برای "ممانعت از گسترش سلاح های هسته ای" و یا "سلاح های کشتار جمعی" چیزی جز تلاش برای حفظ انحصار دسترسی دولت های غربی و متحدینش به این سلاحها نیست. تنها بکارگیرندگان سلاح های هسته ای در تاریخ بشر علیه مردم بی دفاع

کشمکش غرب با جمهوری اسلامی وارد دور جدیدی شده است. ظاهر قضیه بر سر امکان دست یابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای است. اما در واقع مساله کل جغرافیای سیاسی، اقتصادی و نظامی خاورمیانه و به این اعتبار تمام جهان مطرح است.

### قتل های رنجیره ای کودکان سکوت خانواده های "خارجی"

ثریا شهابی

صفحه ۳

### مبارزه سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر

یک سخنرانی از منصور حکمت

صفحه آخر

### "محکم به محکمی حزب"

به کادرهای حزب کمونیست کارگری عراق

صفحه ۵

رحمان حسین زاده

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

# اطلاعیه پایانی

## پلنوم اول کمیته مرکزی

### حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

پلنوم اول کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست از ۲۷ تا ۲۹ شهریور ۱۳۸۳ (۱۷ تا ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۴) با شرکت اکثریت اعضای کمیته مرکزی و تعداد زیادی ناظرین از کادرهای حزب و کادرهای حزب کمونیست کارگری عراق تشکیل شد. پلنوم بعد از سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت بیاد همه جانب‌آختگان راه آزادی و سوسیالیسم و همچنین بیاد گرامی منصور حکمت کار خود را آغاز کرد.

پلنوم اول کمیته مرکزی تماما به بحث‌های رو به آینده حزب و مسائلی که در مقابل ما و جامعه قرار گرفته است معطوف بود. پلنوم دستور زیر را برای بحث و تصمیم‌گیری به تصویب رساند:

۱- مروری مجدد بر جایگاه تاریخی و سیاسی جدائی از حزب کمونیست کارگری ایران و تشکیل حزب کمونیست کارگری - حکمتیست،

۲- بررسی لیست مشاورین

۳- مبانی تشکیلاتی حزب سیاسی - ویژگی‌های سازمان و آرایش جدید حزب

۴. سازمان و اهداف فعالیت حزب در خارج و داخل کشور، ویژگی‌های فعالیت ما در کردستان

۵- حزب کمونیست کارگری - حکمتیست و قدرت سیاسی، رئوس یک نقشه عمل مرحله بندی شده

۶- سازمانهای توده ای در خارج و داخل کشور مبانی رابطه حزب با آنها

۷- در باره آموزش در حزب

۸- در مورد تبلیغات حزب

۹- درباره وظایف دانشجویان و جوانان کمونیست

۱۰- در مورد تامین مالی حزب

۱۱- در مورد موقعیت حزب کمونیست کارگری عراق

۱۲- قرارها و قطعنامه‌های پیشنهادی

۱۳- انتخاب لیدر حزب (دبیر کمیته مرکزی)

۱۴- انتخاب دفتر سیاسی

در اولین دستور جلسه، یعنی، مرور مجدد بر جایگاه تاریخی و سیاسی جدائی از حزب کمونیست کارگری ایران پلنوم بر ضرورت تبیین بحران حزب کمونیست کارگری و شکل‌گیری حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بر متن تاریخ کمونیسم کارگری تاکید کرد. بعلاوه پلنوم تاکید نمود که حزب کمونیست کارگری - حکمتیست نباید تنها به احیای اصول و سیاست‌های زیر پا گذاشته شده توسط اقلیت کمیته مرکزی در حزب کمونیست کارگری ایران بسنده کند. جریان حکمتیست باید نقد منصور حکمت به حزب کمونیست کارگری ایران که در جلسات و اسناد مختلف، بویژه در پلنوم ۱۴ کمیته مرکزی حزب

کمونیست کارگری ایران، مطرح شده است را مبنا قرار دهد و یک حزب سیاسی تمام عیار را ایجاد کند. به این معنی گسست از حزب کمونیست کارگری ایران برای جریان حکمتیست باید شامل گسست از تمام اشکال و روش‌های سیاسی و تشکیلاتی سنتی چپ باشد که گذشته مشترک در حزب کمونیست کارگری ایران است و دائماً مورد نقد منصور حکمت بوده است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست با جبران عقب نشینی‌های تحمیلی به جریان ما طی دو سال گذشته حداکثر به موقعیت این حزب در دوره منصور حکمت برمیگردد و این مطلقاً کافی نیست. بدین معنی جریان حکمتیست باید نقد به حزب کمونیست کارگری ایران، در بهترین شرایط آن را، مبنا قرار دهد و حزبی سیاسی توده ای و مدرن معطوف به قدرت را بسازد و بتواند در دنیای واقعی انقلاب سوسیالیستی را سازمان دهد. در نتیجه باید کلیه سنت‌ها و شیوه‌های کار محدود کننده و عقب مانده سنتی چپ در حزب کمونیست کارگری ایران مورد نقد قرار گیرد و از تکرار آنها در جریان حکمتیست خودداری شود. باید حزبی ساخت که منصور حکمت برای آن مبارزه میکرد و مشخصات سیاسی و تشکیلاتی آن را مکرراً در نقد حزب کمونیست کارگری بیان کرده است.

دستور دوم پلنوم بحث در مورد لیست مشاورین

کمیته مرکزی بود در این رابطه کمیون ویژه تعیین شده گزارش کار خود را به اطلاع کمیته مرکزی رساند. در بحث پیرامون این گزارش، پلنوم با توجه به ناروشنی‌های موجود در تعریف شیوه کار کمیسیون، از کمیسیون خواست که حد اکثر ظرف مدت یک ماه لیست نهائی را برای بررسی مجدداً در اختیار کمیته مرکزی قرار دهد.

دستور بعدی پلنوم بحث در مورد مبانی عمومی تشکیلاتی یک حزب سیاسی و ویژه گی‌های سازمان و آرایش بدنه و رهبری آن بود. در این قسمت پلنوم مبانی سازمانی و روش کاری که حزب کمونیست کارگری - حکمتیست باید مبانی کار خود قرار دهد را به تفصیل مورد بحث قرار داد. تهیه اسناد مربوطه، با توجه به محدودیت وقت، به دفتر سیاسی و هیات دبیران ارجاع شد.

در بخش بعد، وجوه مختلف سازمان و اهداف فعالیت حزب در خارج و داخل کشور، ویژگی‌های فعالیت ما در کردستان مورد تجزیه و تحلیل اعضای کمیته مرکزی قرار گرفت. در هر بخش، پلنوم، موانع سنتی و تاریخی رشد کمونیسم کارگری در ابعاد وسیع و توده ای و تاثیر گذاری آن بر فضای سیاسی و اجتماعی، در خارج و داخل کشور را مورد بحث قرار داد. پلنوم بر اهمیت بنیاد نهادن فعالیت حزب در داخل و خارج کشور بر پایه جهت‌گیری‌ها کاملاً متمایز از شیوه‌های سنتی تاکید کرد. در این

قسمت نیز تهیه و تصویب اسناد لازم به دفتر سیاسی محول گردید.

در بحث مربوط به تامین مالی حزب، پلنوم تاکید کرد که درآمد مالی یک حزب کمونیستی رابطه مستقیمی با فعالیت سیاسی و اجتماعی آن دارد. بر متن یک فعالیت سیاسی و اجتماعی پیشرو، دخالتگر و کمونیستی حزب باید اساساً جمع آوری کمک مالی از مردم و تضمین جمع آوری کامل حق عضویت‌ها اتکا کند. پلنوم بعلاوه تاکید کرد که کل سیستم مالی حزب باید از ابتدا بر یک مبانی علمی و مدرن پایه ریزی شود.

در بحث پیرامون موقعیت حزب کمونیست کارگری عراق، امجد غفور رئیس دفتر سیاسی و موید احمد، نادیه محمود اعضای دفتر سیاسی و آسو کمال و محسن کریم از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق در مورد اهمیت و معنای سیاسی و دخالت حزب کمونیست کارگری عراق در اختلافات حزب کمونیست کارگری ایران و حمایت از جریان حکمتیست سخنرانی کردند که مورد استقبال گرم شرکت کنندگان قرار گرفت. در این بحث پلنوم ضمن تبادل نظر در مورد این مساله با تصویب قرار از ضمن ارج نهادن بر حمایت حزب کمونیست کارگری عراق از حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، تلاش‌های فرقه ای رهبری حزب کمونیست کارگری ایران

# قتل های رنجیره ای کودکان سکوت خانواده های "خارجی"

ثریا شهابی



soyaya\_shahabi@yahoo.com

هفته گذشته ایران شاهد کشف یک سلسله قتل های رنجیره ای کودکان بود. ارقام مرتب اضافه میشود. ۲۲ و بعد تا ۲۹ فقره قتل در شهرستان پاکدشت، کشف شد. صحبت از احتمال ۳۰ مورد است. از ۲۹ مورد قتلی که، در این شهرستان طی سال گذشته توسط دو قاتل صورت گرفت، ۲۶ مورد آن قتل کودکان است.

طی یک سال در شهرستان پاکدشت دو قاتل حرفه ای، دو جوان

شکارچی کودکان، بین خانواده کارگران کوره پزخانه ها و در محیط زندگی و کار کودکان کار این شهرستان آزادانه مشغول شکار و کشتن کودکان به فجیع ترین شکل ممکن بوده اند. تا اینکه با شکایت والدین آخرین موارد کودک ربایی، قاتلین شناسایی و دستگیر میشوند.

جامعه متعجب از اینکه اکثر خانواده کودکان مفقود شده، مفقود شدن کودکانشان را طی یک سال گذشته به پلیس

اطلاع نداده اند، وحشت زده و مبهوت اخبار را دنبال میکند. با این امید که بر تعداد قربانیان کوچک این جنایات افزوده نشود. اما اگر این اتفاق میتواند در پاکدشت بیفتد، در همسایگی هر کس و در کمین هر کودک دیگری در ایران هم میتواند یک شکارچی کودک، یک بیمار، یک جانی در کمین نشسته باشد! این یک وجه واقعیت قتل های رنجیره ای کودکان است. فکر کردن به تنها یک

لحظه از سرنوشت دردناک و مرگ بی رحمانه ای که نصیب این کودکان شد، اندوه و ماتمی غیر قابل توصیف سرتاپای وجود انسان را میگیرد. اما اندوه و ماتم تنها عکس العمل مردم نیست. نگرانی از

سرنوشت کودکانی که جان سالم بدر برده اند و احساس ناامنی در جامعه و محیط های خطرناکی که کودکان در ایران در آن زندگی و رشد میکنند، سرتاپای جامعه را فراگرفته است. مردم میخواهند بدانند! چرا خانواده این قربانیان کوچک سکوت کرده اند؟ چرا حتی با مراجعه شاکیان مامورین انتظامی کاری نکرده اند؟ و چرا این کودکان بیگناه که حتی زندگی کودکی شان را نه با بازی و تحصیل که با کارگری طی میکردند، اینگونه قربانی شدند! برای تضمین اینکه این جنایات تکرار نشود چه میتوان کرد؟

براستی کدام خانواده ممکن است گم شدن بچه اش را خبر ندهد؟ چه دلیلی میتواند مانع از آن شود که والدین و سرپرستان بچه های گم شده، شهر و محله را به خاطر پیدا کردن آنها روی سرشان نگذارند؟ چه کسی، چه پدر و مادری از کنار چنین حادثه ای با «سکوت» میگذرد؟

معمای پیچیده ای نیست. اغلب این کودکان متعلق به خانواده مهاجرین افغانی اند! والدینی که از ترس افشا شدن محل زندگی و کار خود و فرزندانشان، حتی گم شدن جگرگوشه شان را پنهان میکنند! سکوت میکنند تا زندگی، کار و معاش و امکان اقامت بقیه اعضا خانواده را حفظ کنند! سکوت در مقابل مفقود شدن بچه ها عکس العمل خانواده هایی است که همه چیز آنها گرو گرفته شده است.

کارگران غیر قانونی، کودکان کار و کودکان «غیرقانونی» کار، نه تنها برده مزد، نه تنها فروشندگان ارزان نیروی کار، که اسرای جنگی به وسعت همه جوانب زندگی شان اند. این جنگی است که در خفا همه چیز این بخش از طبقه کارگر را بیرحمانه میکوبد. به حق مدسه و بهداشت و واکسن و مسکن و غذا این کودکان حمله میکند و آن را از این کودکان دریغ میکنند. و بالاخره در یک سال دهها تن از کودکان بی پناه و مشغول به کار در کوره پزخانه ها را از سرکوره های آجرپزی میرباید و زنجیر وار یکی پس از دیگری به قتل میرساند. در این جنگ علیه کارگر افغانی، کارگر خارجی در ایران، همه چیز حتی صدای گریه و شیون برای بچه های گم شده باید در گلو حفه

بقیه در صفحه ۶

## از مصوبات پلنوم اول

### در مورد سیاست حزب کمونیست کارگری عراق

#### در برخورد به

### بحران حزب کمونیست کارگری ایران

بحران حزب کمونیست کارگری ایران که منجر به کناره گیری اکثریت کمیته مرکزی و تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست شد، حزب کمونیست کارگری عراق را در مقابل یک انتخاب سیاسی مهم قرار داد. در این رابطه پلنوم اول حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست اعلام میکند:

۱- تلاش مسئولانه رهبری حزب کمونیست کارگری عراق و در راس آن لیدر و دفتر سیاسی و طیف وسیعی از کادرهای آن برای حفظ وحدت در حزب کمونیست کارگری ایران و جلوگیری از وقوع

جدائی در این حزب را، نهایت احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت جنبش کمونیسم کارگری ارزیابی میکنند و آن را ارج میگذارند.

۲- بعد از جدائی و تشکیل حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، حمایت اصولی، سیاسی و عملی حزب کمونیست کارگری عراق از حزب مارا راه موثر و اصولی دفاع از جنبش کمونیسم کارگری و تضمین بالاترین درجه وحدت و روشنی در کل جنبش کمونیسم کارگری میداند و بر اهمیت این سیاست تاکید میکند.

۳- پلنوم، سیاست و اقدامات رهبری حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ سپتامبر ۲۰۰۴

## از مصوبات پلنوم اول

### قدردانی از کورش مدرسی

پلنوم اول کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست از تلاشهای رفیق کورش مدرسی و نقش وی در دفاع از سوسیالیسم، مارکسیسم و خط منصور حکمت در ابعاد اجتماعی و در حزب کمونیست کارگری ایران بویژه در دوره پس از منصور حکمت صمیمانه قدردانی میکند.

۱۹ سپتامبر ۲۰۰۴



بقیه از صفحه ۱

بودجه ای که این دولت ها صرف گسترش سلاح های کشتار جمعی، از جمله سلاح های هسته ای میکنند از کل بودجه اکثر کشورهای جهان بیشتر است و با آن میتوان بنیاد فقر را از جهان برکنند. روزی که دولت بعث در عراق متحد غرب بود مشکلی با بکار گیری سلاح شیمیائی از جانب این دولت نداشتند. امروز گسترش سلاح هسته ای در میان متحدان غرب پذیرفته شده است. در واقعیت مساله داشتن یا نداشتن و بکار بردن یا نبردن سلاح های کشتار جمعی نیست. مساله انحصار دسترسی و امکان بکارگیری این سلاحها در دست دول غرب است. مبنای یک سیاست مسئولانه خلع سلاح کامل جهان و بویژه دولت های غربی از چنین سلاح هائی است.

از نظر استراتژیک جمهوری اسلامی حکومت مطلوب غرب نیست. ما از همان دوره سرکار آمدن جمهوری اسلامی در سال ۵۷ مفعلا در این مورد صحبت کرده ایم. غرب میخواهد که در ایران جمهوری اسلامی جایش را به یک رژیم متعارف تر بورژوائی بدهد. به عبارت دیگر غرب طرفدار علی العموم سرنگونی جمهوری اسلامی نیست؛ میخواهد جمهوری اسلامی را به یک رژیم متعارف بورژوائی در ایران جایگزین کند. اما این جایگزینی ساده نیست.

اما دو مساله "جدید" یعنی سلاح هسته ای و عراق ابعاد و معنی جدیدی به این کشمکش داده اند و این دو مساله مبنای نزدیکی اروپا و آمریکا در قبال جمهوری اسلامی شده است.

در رابطه با سلاح هسته ای، یک جمهوری اسلامی هسته ای جغرافیای نظامی و سیاسی منطقه خاورمیانه را بکلی

دگرگون میکند. به اسلام سیاسی دندان اتمی میدهد که به سادگی نمیشود مرعوبش کرد یا تحت فشار قرارش داد. چنین تغییری آمریکا، اسرائیل و کلا دولت های غرب را با شرایط نامساعدتری در مقابل جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی روبرو میکند. مسلح شدن جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای منفعت همه دولت های غربی را به خطر می اندازد و در نتیجه اروپا و آمریکا سیاست همگرا تر و یک دست تری در این رابطه دارند.

مساله دوم، مساله عراق است. اگر جمهوری اسلامی عراق را برای آمریکا غیر قابل حکومت کند، که این کار از او ساخته است، آمریکا قادر به ادامه حضورش در عراق نخواهد بود. دولت های اروپائی گرچه بدشان نمی آید که در عراق دماغ آمریکا خونین شود، اما شکست کامل آمریکا و غیر قابل حکومت شدن عراق به نفع آنها نیست. چنین شکستی کل دول غربی و همچنین دولت های هم پیمان غرب مثل ترکیه، پاکستان یا عربستان را در مقابل اسلام سیاسی تضعیف میکند و تناسب قوا در خاورمیانه را به ضرر غرب و اسرائیل تغییر میدهد.

در نتیجه ترکیب خطر یک جمهوری اسلامی هسته ای و یک عراق غیر قابل حکومت مبنای نزدیکی اروپا با آمریکا در برخورد به جمهوری اسلامی است. اما سوال این است که اهرم فشار آمریکا و دول غرب به جمهوری اسلامی چیست؟

قبل از حمله آمریکا به عراق، تهدید جمهوری اسلامی با ارتش آمریکا یک تهدید واقعی و یک اهرم مهم فشار بود. اما امروز آمریکا امکان فشار نظامی واقعی به جمهوری اسلامی را ندارد. با افشای دروغ بودن توجیهات حمله به عراق،

با پاشیدگی زندگی مدنی در عراق، و با فرورفتن هرچه بیشتر آمریکا و انگلیس در باتلاق عراق؛ آمریکا توجیه بین المللی، انسجام درونی و قابلیت نظامی جنگ با جمهوری اسلامی را فعلا ندارد. حمله نظامی آمریکا یا غرب به ایران فعلا خارج از مقدرات داخلی، بین المللی و نظامی آنها است. در آینده ممکن است این اوضاع تغییر کند، اما فعلا اهرم تهدید نظامی در کشمکش میان آنها نقش مهمی ندارد.

اهرم تحریم اقتصادی است هم بر متن تناقضات و رقابت های دول و کمپانی های غربی کارا نیست.

مهمترین اهرم فشار غرب بر جمهوری اسلامی اتکا به بازیگر دیگری در صحنه سیاسی ایران است که دولت ها و رسانه های غرب کمتر در باره آن حرف میزنند. این بازیگر مردم ایران اند. بازیگری که رسانه ها و تحلیلگران رایج با اکراه و از سر اجبار به او اشاره میکنند.

نقطه ضعف جمهوری اسلامی بی ثباتی سیاسی آن و آسیب پذیریش در مقابل اعتراض مردم است. دول غربی و آمریکا امیدوارند که با بازی با کارت مردم جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند. این سیاست بیش از هر چیز بر محور تبلیغات و تقویت اپوزیسیون راست میگردد. بحث حقوق بشر، دامن زدن به فضای فشار بین المللی و تبلیغات علیه جمهوری اسلامی اینجا وارد تصویر میشود. جمهوری اسلامی نسبت به این نوع فشار بیش از تهدیدات توخالی نظامی حساس و آسیب پذیر است.

مساله عراق و مساله سلاح هسته ای هر دو هم برای غرب و هم برای جمهوری اسلامی معنی استراتژیک دارند. دول غرب میخواهند بدون

اینکه باعث انقلابی علیه جمهوری اسلامی شوند رژیم را زیر فشار قرار دهند. اینها از انقلاب در ایران بیش از جمهوری اسلامی میترسند. این موقعیت غامضی را برای دولت های غربی بوجود آورده است و آنها را به یک بند بازی و سیاست کژدار و مریز در رابطه با جمهوری اسلامی کشانده است.

از طرف دیگر دست یابی به سلاح هسته ای برای جمهوری اسلامی یک ابزار بقا است. جمهوری اسلامی امید دارد که با دست پیدا کردن به سلاح هسته ای نوعی دتانت را به دول غرب تحمیل کند، در مقابل مردم خود را کمتر آسیب پذیر کند و به عنوان یک شریک قدرت در مقابل آمریکا ظاهر شود. متاسفانه این فقط جمهوری اسلامی نیست که در این مسیر قرار دارد. عربستان سعودی هم ظاهرا دارد در جهت دست یابی به سلاح هسته ای، برای حفظ خود در صورت شکست آمریکا در عراق، سیر میکند.

دول غربی، بخصوص آمریکا، تمام تلاش خود را خواهند کرد تا مانع از دست یابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای شوند. اما با توجه به اینکه منابع فشار آنها بر جمهوری اسلامی محدود است، جمهوری اسلامی میتواند علی رغم فشارهای دول غرب برنامه هسته ای خود را تقویت کند و به نتیجه برساند. این یک دعوا و کشمکش بسیار خطرناک میان جمهوری اسلامی و دول غربی است که هر دو نشان داده اند که در راه منافع خود میتوانند کل منطقه را به تباهی بکشانند. بویژه به این تصویر باید فاکتور اسرائیل را هم اضافه کرد.

امکان حمله اسرائیل به تاسیسات هسته ای ایران یک امکان واقعی است. حتی اسرائیل ممکن است در مقابل دسترسی جمهوری اسلامی به

سلاح هسته ای خود دست به یک اقدام هسته ای علیه ایران بزند. اما حمله نظامی اسرائیل یا آمریکا به ایران بزرگترین خدمت به جمهوری اسلامی است؛ تمام منطقه را به آشوب میکشد، درست مثل حمله آمریکا به عراق اسلام سیاسی را به حرکت در می آورد و تقویت میکند، صفوف درونی جمهوری اسلامی و جریانات اسلامی را فشرده میکند، قلاذه را از گردن دارودسته های اسلامی تماما باز میکند و اجازه میدهد که هارتر از همیشه مردم را مورد تعرض قرار دهند. چنین اقدامی به ضرر مردم و مستقیما به نفع جمهوری اسلامی است.

نه اسرائیل و نه غرب امروز نمیتوانند با فشار نظامی جمهوری اسلامی را مجبور به تمکین کنند. تنها نیروئی که میتواند جمهوری اسلامی را شکست دهد، مانع از دست یابی آن به سلاح هسته ای شود مردم ایران هستند. مردم بازیگر اصلی صحنه سیاست ایران هستند. حمله اسرائیل و آمریکا بعید است امکانات هسته ای جمهوری اسلامی را از کار بیندازد و بعکس ممکن است جمهوری اسلامی از چنین عملی برای توجیه آزمایش سلاح هسته ای استفاده کند و در هر حال منطقه را منفجر میکند. کل خاورمیانه و خلیج فارس به عمق سناریو سیاه، تباهی و از هم پاشیدگی زندگی مدنی سقوط میکند.

تنها راه مطمئن پایان دادن به این بالانس روی لبه تیغ، سرنگونی هرچه فوریتر جمهوری اسلامی توسط مردم است. این خدمتی است که مردم ایران به خود و به همه بشریت میکنند. حزب ما باید این تا تضمین کند.



## ”محکم به محکمی حزب“

### به سمینار کادرهای حزب کمونیست کارگری عراق



r\_hoseinzadeh@yahoo.com

#### رحمان حسین زاده

این گفته منصور حکمت مصداق تصمیم و حرکت سیاسی است که حزب کمونیست کارگری عراق، رهبری و کادرها و اعضای آن در بطن تند پیچ سیاسی ایندوره کمونیسم کارگری اتخاذ کردند. حزب کمونیست کارگری عراق شفاف و روشن کشمکشی را که جریان چپ سکتاریست، حاشیه‌ای و غیر اجتماعی بر جنبش ما و بر حزب کمونیست کارگری عراق هم تحمیل کرد، با سربلندی و محکم از سر گذراندند. تصمیمات مسئولانه و تاریخی رهبری این حزب در مقاطع مختلف این کشمکش و پافشاری آنها بر خط مشی و سنت سیاسی و حزبی منصور حکمت، حمایت شور انگیز قاطع کمیته‌ها و کادرها و اعضای حزب از رهبری این حزب ضامن وحدت حزب کمونیست کارگری عراق در جدالهای ایندوره بود. روشن بینی رهبری، کادرها و بدنه حزب کمونیست کارگری عراق امیدی تازه ای به همه انسانهایی که رهایی و آزادی و برابری انسانها را به جنبش کمونیسم کارگری گره زده اند میدهد.

#### جایگاه سمینار کادرها

در فرجام این تحولات مهم در جنبش کمونیسم کارگری سمینار سراسری کادرهای حزب کمونیست کارگری عراق در روزهای آینده و در تاریخ ۲۵ و ۲۶ سپتامبر برگزار میشود. تصمیم به برگزاری و تعیین تاریخ و

موضوعات این سمینار مستقیماً از این جدالها نتیجه نشده است. حزب کمونیست کارگری عراق به عنوان حزبی دخیل در صحنه سیاست عراق، در این نشست باردیگر تحولات سیاسی عراق و منطقه و خط مشی حزب را بررسی و تدقیق میکند. با این وصف تثبیت دستاوردهای مبارزه‌ای که علیه جریان چپ حاشیه‌ای و غیر اجتماعی به دست آورده است، میتواند از موضوعات مهم این سمینار باشد. به سهم خود و به عنوان یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق نکاتی را با رفقایم در حزب کمونیست کارگری عراق مطرح میکنم.

#### ۱- ناکام کردن سیاست و شیوه‌های چپ سکتاریست:

حزب کمونیست کارگری عراق سیاست و شیوه‌های چپ فرقه‌ای و غیر اجتماعی را افشا و ناکام کرد. نحوه برخورد حمید تقوایی و همفکرانش در رهبری حزب کمونیست کارگری ایران به حزب کمونیست کارگری عراق بدون پرده و عریان نمونه تبیین رفتار فرقه‌ای و غیر اجتماعی بود. اینجا صرفاً و به خاطر اینکه رهبری حزب کمونیست کارگری عراق سیاست و روش این جمع در رهبری حزب کمونیست کارگری ایران را در برخورد به اختلافات تأیید نکرد و به سیاستها و شیوه‌های جا افتاده منصور حکمت و اصول سیاسی و سازمانی

حزب پایبند ماندند، در فتوای ”ایدئولوژیک“ رهبری جدید حزب کمونیست کارگری ایران مورد لطف قرار گرفتند. اینجا برای توجیه این موضع سکتاریستی حتی بهانه بحثهای ۲ سال قبل کورش مدرسی به دادشان نمیرسد. در دنیای فرقه‌ای و غیر اجتماعی، پای بندی به حقیقت و نقطه رجوع اجتماعی جایگاهی ندارد. مهم اینست از سر ”حقانیت“ به خود بخشیده ”فرقه‌ای و ایدئولوژیک“ خم به ابرو نیاورد و مخالف خود را دلبخواه ”مرتد و روبزبونیست و راست“ خواند. در رابطه با حزب کمونیست کارگری عراق همین اتفاق با وضوح بیشتر اتفاق افتاده است.

حزب کمونیست کارگری عراق با استراتژی و افق و سیاست و تاکتیک و اصول سازمانی و با همان رهبری و کادرها و تشکیلاتهای حزبی قبل از جدالهای اخیر در صحنه سیاست جامعه عراق مشغول به کار و سر جای خود است. فقط به این دلیل که این حزب تلاشهای حمید تقوایی و همفکرانش را برای اخلال در فعالیت حزب کمونیست کارگری عراق را ناکام گذاشت، با دشمنی و پروپاگاندا کور و صدور ”قطعه‌نامه“ خصمانه و سکتاریستی روبرو میشوند. اما جواب محکمی از کل حزب کمونیست کارگری عراق گرفتند.

#### ۲- اتحاد و انسجام رهبری:

تشخیص و ارزیابی سیاسی درست رهبری حزب کمونیست کارگری عراق و دخالت مسئولانه آن در کشمکشهای درون حزب کمونیست کارگری ایران، چه قبل از وقوع جدایی و چه بعد از جدایی کارنامه درخشانی از موضوعی کمونیستی و سیاسی روشن و تعیین کننده بود. اتحاد و انسجام رهبری حزب کمونیست کارگری عراق، اعم از لیبر و دفتر سیاسی و کمیته مرکزی، نه تنها تناسب قوا را به نفع پایداری خط و سیاست کمونیسم کارگری تغییر داد، بلکه ضامن حفظ اتحاد و یکپارچگی کل حزب در عراق بود. این دستاورد بزرگ و تعمیق اتحاد و انسجام رهبری حزب در این تند پیچ پیشرویهای بعدی را بسیار بیشتر تضمین میکند. جنبش ما و احزاب ما این اتحاد و موضوعی کمونیستی رهبری حزب کمونیست کارگری را در تاریخ پیشرویهای خود ثبت کرده‌اند.

#### ۳- نقش مهم کادرها و اعضای حزب:

علاوه بر رهبری، کادرها و اعضای حزب کمونیست کارگری در این کشمکش نقش موثری ایفا کردند. بویژه اهمیت این مسئله زمانی بیشتر تأکید میشود، که حمید تقوایی و همفکرانش با شعار ”اعضا“ و فراخوان به ”شورش اعضا“ عوامفریبی میکردند. اما کادرها و اعضای حزب کمونیست کارگری عراق

حالی‌شان کردند، حزبشان و اصول و موازین حزب و رهبریشان را به آسانی به دست نیاورده‌اند، تا به آسانی و بر اساس محفل بازی آن را به هم بزنند. کادرها و اعضای آگاه به سیاست و اصول کمونیسم کارگری به میدان آمدند، در دفاع از کمونیسم کارگری و حزب و رهبری و سرمایه سیاسی زندگیشان در جامعه به هم ریخته عراق نوشتند و گفتند و صف کشیدند. حزبشان را سربلند و محکمتر از گذشته از این تند پیچ عبور دادند.

#### ۴- تحزب کمونیسم کارگری:

سال ۱۹۹۲ در آغاز گام برداشتن برای ایجاد حزب کمونیست کارگری عراق، منصور حکمت نوشت ”کمونیسم کارگری در عراق به حزب نیاز دارد“. این نیاز مهم و تاریخی به سیاست عملی تبدیل شد. موانع یکی پس از دیگری کنار گذاشته شد. کمونیسم کارگری در عراق صاحب حزب شد. در دل کشمکش ایندوره، رهبری، کادرها و اعضای حزب کمونیست کارگری عراق این تأکید را دوباره کردند، نه تنها کمونیسم کارگری، بلکه جامعه عراق هم به حزب نیاز کردند، با تمام توان حزب و تحزب کمونیسم کارگری را در عراق چون چشم خود حفظ میکنند. بی مسئولیتی و لاقیدی سکتاریستی و غیر اجتماعی را نسبت به تحزب کمونیستی ناکام و خنتی میکنند.

#### تصمیم تاریخی و تجربه یک دهه اخیر

نقش حزب کمونیست کارگری عراق در مهمترین تحول درون جنبش کمونیسم کارگری بعد از منصور حکمت سرنوشت ساز و تاریخی

حکمت و کمونیستهای کارگری در عراق برای کنار زدن یک به یک آن دیدگاههای حاشیه ای ندارند که جزو انتگره تاریخ مبارزه سیاسی کمونیسم کارگری در آن جامعه بوده است. کمونیسم کارگری در عراق به خط چپ غیر اجتماعی و حاشیه ای درون حزب کمونیست کارگری ایران اعلام کرد، اینجا زمین بازی مناسبی برایشان نیست. سیاستهایشان را در جای دیگری به بوته آزمایش بگذارید.

حزب کمونیست ایران را برای همیشه قطع کرد. حاصل نقد و عبور از "ایدئولوژی گری" و کنار گذاشتن تقسیم بندیهای دلبخواهی "راست و چپ" گروههای کمونیستی در عراق بود. تضمین پیشروی تاکتونی حزب کمونیست کارگری عراق حاصل نقد سنتهای وروشهای سنتی چپ بوده، که مانع ابراز وجود حزب به عنوان یک حزب سیاسی مدعی قدرت در یک جامعه متلاطم سیاسی بوده و منتظر

که اتفاقا امروز مبانی سیاسی و دیدگاه چپ سنتی امثال حمید تقوایی و همفکرانش را تشکیل میدهد. حزب کمونیست کارگری عراق حاصل نقد سیاسی و اجتماعی "انقلاب، قیام، شورا" علی العمومی بود که در دل تحولات مهم سال ۱۹۹۱ عراق و کردستان عراق، بند ناف کمونیسم کارگری را با انواع و اقسام چپ از جمله چپ حاشیه ای و غیر دخالتگر در عراق و چپ "ناسیونالیست" در

بود. بررسی این واقعه درسها و تجارب فراوانی دارد، که لازمست در فرصتهای دیگری به آن پرداخت. اینجا فقط کوتاه اشاره کنم در توضیح این پدیده هم باید علاوه بر فاکتورهای نظری و تحلیلی، به روندها و فاکتورهای اجتماعی توجه کرد. تاریخ ایجاد حزب کمونیست کارگری عراق و به جلو آمدن آن، تاریخ در افتادن سیاسی، و اجتماعی با روندها و مقولات و مفاهیمی بود،

مدتی است بازار فحاشی به فاتح شیخ در سایت ها و گرد هم آئی های اینترنتی چاقوکشان ناسیونالیست کرد داغ است. کار به صدور فتوای قتل فاتح شیخ و حتی تهدید به اجرا در آوردن این فتواها کشیده است. ظاهرا آنچه که این اوباش را به هیجان آورده است افشای قهرمانان ناسیونالیسم کرد توسط فاتح شیخ در جلسات دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران است که فایل آنها، به دنبال بحران در حزب کمونیست کارگری ایران، در اینترنت قابل دسترس شده است.

## تهدید فاتح شیخ توسط لومپنهای ناسیونالیست کرد محکوم است

دلیل اساسی این هتاکها این است که فاتح شیخ بعنوان یک شخصیت سیاسی و کمونیست شناخته شده دارای کارنامه روشن و تاریخ پرافتخاری در دفاع از منافع و حقوق توده های مردم و افشای ناسیونالیسم کرد دارد. فاتح شیخ تمام سابقه و محبوبیت و جایگاه سیاسی خود را در خدمت به امر سوسیالیسم و مبارزه بی امان با تمام باورهای خرافی و ارتجاعی و از جمله ناسیونالیسم و قوم پرستی کرد قرار داده است. اینکه مردم کردستان برای فاتح شیخ چه احترامی قائل هستند و در باره "قهرمانان" ناسیونالیسم چه احساسی دارند را هر کس که سری به شهرهای کردستان زده باشد میداند. احترام مردم به قهرمانان ناسیونالیسم کرد را باید از جوکهای همان مردم کردستان در باب این قهرمانان خود گمارده فهمید.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در برابر این لمپن بازی ها و این تهدیدات می ایستد. تجربه باید این واقعیت را در ذهن هر قوم پرستی فرو کرده باشد. به این "قهرمانان اینترنتی" توصیه میکنیم که بجای دامن زدن به فضای نفرت و نا امني، سیاسی باشند و پاسخ بحث سیاسی را سیاسی بدهند. این کار مفید تر و عاقلانه تر است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۲ سپتامبر ۲۰۰۴

۲ مهر ۱۳۸۳

بقیه از صفحه ۲

برای اخلاص در کار حزب کمونیست کارگری عراق را محکوم نمود.

پلنوم طی قراراری به اتفاق آرا از تلاشهای کوروش مدرسی در دفاع از مارکسیسم و خط منصور حکمت در مقابل تعرض جریان چپ فرقه ای در حزب کمونیست کارگری قدردانی کرد. پلنوم بعلاوه تلاشهای زشت، فرقه ای و عقب مانده اقلیت باقیمانده در رهبری حزب کمونیست کارگری ایران در ترور شخصیت کوروش مدرسی و ایجاد نفرت کور از جریان حکمتیست محکوم کرد.

پلنوم رسیدگی به سایر مباحث و همچنین قرارهایی که به پلنوم پیشنهاد شده بود را به دفتر سیاسی سپرد. قرارها و قطعنامه های پیشنهادی زیر در دستور پلنوم بود: قرار

در مورد انتشار یک کتاب در مورد کشمکش درونی حزب کمونیست کارگری، قرار در مورد ایجاد مدرسه حزبی مارکس، قرار در مورد ایجاد کانون مشترک با حزب کمونیست کارگری عراق، قرار در مورد تسویه حساب با حزب کمونیست کارگری ایران، قرار در مورد تهیه بروشورها و دستورالعمل های کار تشکیلاتی، قرار در مورد جدیت امر بازرسی از تشکیلات، قرار در مورد حق عضویت، قرار در مورد کادرها، قرار

در مورد عضویت رفقای تشکیلات مخفی در ارگانهای رسمی حزب و قرار در مورد سیاست حزب در مساله اعتیاد به مواد مخدر در ایران.

در بخش انتخابات، پلنوم اول کمیته مرکزی به اتفاق آرا کوروش مدرسی را بعنوان لیبر حزب (دبیر کمیته مرکزی) انتخاب کرد. سپس یک دفتر سیاسی ۱۹ نفره را به شرح زیر انتخاب نمود: آذر مدرسی، اسد گلچینی، اسد نودینیان، اعظم کم گویان، امان کفا، ایرج فرزاد، بهرام مدرسی، ثریا شهابی، حسین مرادبیگی - حمه سور، رحمان حسین زاده، صالح سرداری، عبدالله دارابی، فاتح شیخ، مجید حسینی، محمود قزوینی، مصطفی رشیدی، مظفر محمدی، مهرنوش موسوی، نسان نودینیان.

در اولین جلسه دفتر سیاسی که بلافاصله بعد از پلنوم برگزار گردید، فاتح شیخ به اتفاق آرا بعنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب شد.

پلنوم کار خود را با سخنرانی اختتامه کوروش مدرسی و سرود انترناسیونال به پایان رساند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
۳۱ شهریور ۱۳۸۳ - ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۴

گوشه ای از دوزخ سرمایه داری در ایران است که با معماری حکومت خدا، در این جغرافیا برای این بخش از شهروندان بی پناه، ساخته شده است.

بعضی، اندوه، ماتم و نفرتمان از بانیان این جنایت عظیم علیه کودکان را دستمایه قدرتمندتر شدن نیروی مردم در بزیر کشیدن حاکمان اسلامی، این وحوش حاکم بر ایران بکنیم. جز این راهی نیست!

رخ ندهد تصادف غریبی است! ناامنی کودکان، فقر، محرومیت و «غیرقانونی» بودن میتواند همه جانیان، بیماران، و قربانیان جنایات قبلی را در سراسر جهان به محل کار و زندگی این بخش از جامعه بکشاند. این بخشی از جامعه، بخشی از طبقه کارگر است که از پیش «قفل» سکوت و بردگی بر تمام ابعاد ابراز وجود زندگی شخصی و اجتماعی اش زده شده.

قتل های زنجیره ۲۶ کودک بیگناه پاکدشت،

بقیه از صفحه ۳

شود. این شرایط زندگی است که حکومت اسلامی، سرمایه داری ایران، برای دونسل از بی حقوق ترین بخش جامعه ایران، برای مهاجرین افغانی و نسل های آینده آنها، ساخته است. بردگی مزدی به کنار، جنگی اعدام نشده در میدان فروش نیروی همه زندگی و هستی این کارگران را سیستماتیک تهدید میکند. در میدان زندگی آنها، اگر روزی حادثه ای



روشنفکر و جوانی که میباید جلوی دانشگاه با همان کارگر در قامت شهروند میباید لاستیک آتش میزند، که کارگر را باید هرچه زودتر سوق بدیم که پیاد جلو و لاستیک آتش بزند. وظیفه طبقه کارگر ایران این نیست که فوراً بیاید خیابان لاستیک آتش بزند. واضح است که وظیفه اش اینست که ضامن جنبشی باشد که علیه جمهوری اسلامی است. کارگران صنعت نفت هم زمان شاه هیچکدامشان، بعنوان کارگران صنعت نفت، کارگران پتروشیمی، کارگران فولاد به خیابان نیامدند لاستیک آتش گرفتند و گفتند به آفریقای جنوبی نفت نمیدهم، به ارتش نفت نمیدهم و فقط نفت را به مصارف مردمی میرسانیم و نشان دادند پشتوانه حرکت توده ای در خیابان هم هستند.

فقر و ناامنی کارگر را محافظه کار میکنند. کارگران در زمان شاه میتوانستند اعتصاب بکنند برای اینکه نسبتاً وضع اقتصادی و رفاهیشان خوب بود. یعنی اینکه میتوانست بگوید من میتوانم دو ماه این جیب و آن جیب بکنم و یک کاری بکنم که اعتصابم را ادامه بدهم. اما الان انتظار یک اعتصاب سه هفته ای از کارگری که حقوق همین امروزش را هم ندارد اشتباه است و این بشدت کارگران را محافظه کار میکند. در نتیجه وظیفه جنبش کمونیستی اینست که نسبت به این بدیده استراتژی روشنی داشته باشد. چطور میباید و برود به یک جانی که معترض است، اعتصابی است، و دخالت میکند؟ کلید این مساله بنظر من یکیش جنبش جمع عمومی است.

ببینید، اتفاقاً کارگر بطور تکی بشدت منزوی و ضعیف است. قدرت کارگر در تجمعی است، در تصمیم جمعی اش

است، در خاصیت طبقاتی اش است. قدرت عضو کانون نویسندگان به جمعی اش نیست، به قلمش است. قدرت دانشگاه لزوماً به تصمیم جمعی اش نیست. ولی قدرت طبقه کارگر در تجمع و اتحادش است و جمع عمومی آن ظرفیت که بدون اینکه ساختنش پیچیدگی عجیبی بخواهد، بدون اینکه لازم باشد دکترای سازماندهی کارگری بگیرد، میتوانی همه را در صحن کارخانه جمع کنی و بگی این مجمع عمومی کارخانه است و هر چه کارگران بگویند حرف آخر ماست. کسی را هم نمیتوانی تکی گیر بیاری تهدید کنی، اینها همه با هم تصمیم گرفتند کی را میخواهی بزنی؟ کی را میخواهی بزنی؟ کارفرما باید بیاید توضیح بدهد، سپاه باید از اینجا بیرون برود، ما اینجا تصمیم گرفتیم، همه کارگران بودند و تصمیم گرفتند. قدرت معجزه آسای مجمع عمومی که در همه جنبش کارگری جهان نقش دارد و پایه جنبش شورائیت، اینست که کارگران منفردی را که تک تک در یک موقعیت مقهور نسبت به سرمایه دار و کارفرما قرار دارند، میاورد یک جایی که قدرتش را لمس میکنند، قدرت خودشان را نشانشان میدهد. در نتیجه جنبش مجمع عمومی کلیدی است. اما فرق هست بین جنبش مجمع عمومی با مجمع عمومی، که مثلاً ما مزد میخواهیم پس مجمع عمومی تشکیل میدهم. از جنبش مجمع عمومی منظور یک چیز دیگر است. اینکه یک عده راه میافتند با این هدف که مجمع عمومی سر هر چیز تشکیل بشود و ارتباط پیدا کند. جنبش مجمع عمومی چیز نیست مثل جنبش کمیته های کارخانه. اگر الان هیچی راجع به خواست های جنبش کمیته های کارخانه در اوائل انقلاب بشوئیکی ندانیم، ولی میدانیم که همه جا سبز شدند و همه جا در کار دولت فصولی میکردند و همه جا کنترل را بدست

گرفتند. جنبش مجمع عمومی مستقل از خواست مورد بحثی را ما اینجا در موردش صحبت میکنیم. خود مجمع عمومی بمشابه یک هدف. یک عده کارگر آگاه کمونیست جمع شوند و تصمیم بگیرند هر که در شهر خودش و واحد خودش، اگر شلوغ شد فوراً مجمع عمومی تشکیل دهند و تثبیت این در ذهن کارگر که مجمع عمومی را تا خبری شد باید تشکیل داد و این مجمع عمومی است که میتواند قطعنامه بدهد، میتواند نماینده انتخاب کند، میتواند برای مذاکره آدم بفرستد، و میتواند تصمیم بگیرد اعتصاب بکند یا نه. بجای اینکه کمیته های کوچک جمعهایی که دولت میتواند شناسائی کند و بزند، مقهور کند، و به سازش بکشاند، در نتیجه جنبش مجمع عمومی یک رکن اساسی کار ماست.

یک صحبت کوتاهی هم بکنم راجع به کارگر و مساله جنبش های دیگری که الان شلوغ میکنند. بنظر من اگر کارگر کمونیست باشد و اگر علیه جمهوری اسلامی باشد، الان بشدت از جدال دانشجویها با دولت خوشحال است، بشدت از کتک کاری دگراندیشان با انصار حزب الله در خیابان خوشحال است. کارگر بودن یعنی پشت کردن و بایکوت کردن بقیه جامعه نیست. این تصور جریانات کارگر کارگریست است که همیشه نگاه کنی میبینی یک روشنفکر مائویست یک خرده آنطرفتر دارد هدایتش میکند. خلقی ترین، ملی ترین و ناسیونالیست ترین جریانات سیاسی، طرفدار جنبش های کارگریست که در کارخانه هستند که فقط در کارخانه بماند، به کسی هم کاری نداشته باشد و بشود شاخه کارگری حکومت مصدقی ایشان! اینست قضیه.

کارگر باید بخواهد روی اقبال دیگر تأثیر بگذارد، بخواهد جلو برونند، به جلو سوقشان بدهد، از تحرکشان استقبال کند، و بخودش مربوط بداند. در نتیجه این کارگر گرائی نیست که کارگر بخودش بگوید تو باید بیانی به صحنه و تا تو نیامدی به صحنه این جنبشها بدرد نمیخورد، توجه نکن و تو دنبال کار خودت باش، دنبال مزد خودت باش، چیزی که یک عده به اسم کارگر گرائی الان دارند میگویند. این چرا کارگر را میفرستند دنبال مزدش؟ برای اینکه به یک عده دیگری بگویند شما در کانون نویسندگان و در جبهه دوم خرداد تکه سیاسی مساله را جلو ببرید. کسی که میگوید من کارگرم و تکه سیاسی مساله را خودم میخواهم جلو ببرم طبعاً نمیتواند تمایلی به بی تفاوتی کارگر نسبت به شلوغی های خرم آباد و وقایع جدی دیگر و غیره داشته باشد، در نتیجه ایجاد حساسیت در کارگر نسبت به اینها است و مقابله با جریانات اگونیومیستی که (اگونیومیست هم حتی لغت درخشانی است بنظر من) مقابله با جریانات ناسیونالیست و لیبرالی که میخواهند کارگر کارگر باشد، همانطور که میخواهند برای مثال زن فقط زن باشد و در سیاست شرکت نکنند، یا برای مثال میخواهند دانشجو دانشجو باشد، میخواهند کارگر هم فقط کارگر باشد و دخالت در سیاست نکنند، مقابله با این افراد وظیفه حزب کمونیست کارگری است.

یک نکته دیگر، ببینید ما میگوئیم حزبی هستیم که میخواهیم بطور بالفعل حزب طبقه کارگر باشیم، ولی معنیش این نیست که ما صبر میکنیم تا کارگران یک روزی به خیابان بیایند و بما بگویند چکار کنیم. دیروز گفتم، حکومت مرتجع اقلیت عقب مانده را با یکنفر هم اگر بشود باید حزب کمونیست کارگری هر وقت به نیروی خودش، نمیدانم چندان کارگر است و چندان خواننده اپرا است یا هر چی، هر وقت به نیروی خودش بتواند

جمهوری اسلامی را ساقط کند، ساقط میکند. معنای اینرا بعد از ضربه ای که ممکن است به همت احزابی مثل ما به جمهوری اسلامی وارد بشود باید به کارگران گفت. تصرف تهران ممکن است بدون شرکت کارخانه ها انجام شود، بالاخره با نیروی ارتش کارگری هم انجام شود، احزابی سازمانش داده اند، فردای آن تصرف، فردای گرفتن آن قدرت، هر نظری میتواند ببیند کارگر تو ان جامعه چه جایگاهی در رابطه با قدرت دارد و چقدر قدرت به کارگر مربوط است و چقدر کارگر مدافع حکومت است، و چقدر حکومت پایه اش روی در میدان ماندن کارگر است. این تصور که کمونیستها نمیتوانند بروند برای قدرت تا وقتی کارگران قبلاً سیاسی شده باشند و تا جامعه را با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی فلج کرده باشند، اشتباه است، این نه فقط اشتباه است، کلاهبرداری است. یک کلاهبرداری قدیمی ملیون است، این کلاهبرداری قدیمی لیبرالهاست که همیشه خواستند کمونیست را دنبال نخود سیاه بفرستند و هفتاد هشتاد سال هم موفق شدند. این حزب کمونیست کارگری اگر نماینده چیزی باشد نماینده اینست که کمونیستهای هستند که کلاه سرشان نمبرود، یا نمیکشند بگذارند کلاه سرشان برود. در نتیجه با طبقه و قدرت سیاسی میکنیم، بخش واقعی از جنبش طبقه کارگر جنبش کمونیستی است. و اینکه این جنبش چه میکند تأثیر دارد بر اینکه طبقه بطور عموم چه میکند تأثیر دارد و حزب کمونیست کارگری باید در این یکسال آینده که همه چیز داره تعیین میشود استراتژی خودش را برای قدرت داشته باشد و واضح است که هیچ حکومتی را نمیشود با اسم کمونیست گرفت و نگه داشت بدون اینکه کارگران آمده باشند و این حکومت را مال خودشان کرده باشند.

(کف زدن ممتد حصار)

## اساس سوسیالیسم انسان است

## مبارزه سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر سخنرانی منصور حکمت در کنگره سوم (مهر ۱۳۷۹ - اکتبر ۲۰۰۰)



در رابطه با این بحث میخواستیم به چند نکته تاکید کنیم. در شرایطی که آنتن بشقابی سیاسی است، صیغه سیاسی است، مسابقه فوتبالی سیاسی است، مبارزه بر سر دستمزد اقتصادی نمیآید. و در جامعه ایران که این بی ثباتی هست و جمهوری اسلامی با این معضلی که دارد هر اعتصاب کارگری نهایتاً اعتصابی است در رابطه با حکومت و برای همین است که قوری سیاه سراغ اعتصاب می‌رود. اتحادیه کارفرمایان با آن اعتصاب روبرو نمی‌شود، سپاه پاسداران با آن روبرو می‌شود، کمیته‌ها می‌روند و میکشند، میزنند، شلیک میکنند در مبارزه‌ای که برای حقوق معوقه است.

در ایران امروز مبارزه طبقه کارگر، بنا به ماهیت شرایط، سیاسی است. بطور کلی مبارزه اقتصادی طبقه کارگر در جامعه کاپیتالیستی تقابل سیاسی در جامعه را نشان میدهد. ولی اینجا یعنی اخص کلمه این مبارزه به سرنوشت این حکومت مربوط میشود. اگر با یک جنبش اعتصابی سراسری روبرو بشوند، میافتند، مساله بهمین سادگی است، حتی اگر طرف فقط

دستمزدش را بخواهد، و لازم نیست الزاماً بگوید "آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه"، یا چیز دیگری، تا سیاسی شده باشد. همینکه بگوید من دستمزد را میخواهم و سر کار نمیروم، کافیت که جمهوری اسلامی به لبه پرتگاه سقوط نزدیک شود. در نتیجه ما نباید زیاد نگران این باشیم که چرا مثلاً کارگران در مبارزه علیه سلطنت شعاع آزادی وکلای زندانی را ندادند. ما از نظر استراتژی حرکت جنبشمان نباید نگران این باشیم. میشود گفت که اگر میگفتند نشان دهنده رشد آگاهی سیاسی و توجه کارگر به صحنه سیاسی است، در این شکی نیست. ولی من و شمائی که نشستیم این روند اوضاع را بررسی میکنیم، اعتصاب صنعت نفت اگر سر اضافه کاری باشد، سر حقوق و سر دستمزد باشد و صنعت نفت را بخواهاند، از نظر استراتژی حرکت جنبش علیه جمهوری اسلامی عملاً یک تأثیر را دارد. اینکه اصرار کنیم که کارگران حتماً شعارهای سیاسی بدهند و در رابطه با خاتمی اظهار نظر کنند، این بنظر من در رابطه با جنبش کارگری یک درجه‌ای تحمیل ذهنیت

عظیمی است، فکر میکنیم قویست، فکر میکنیم که میتواند همه چیز را تغییر بدهد. و واقعیتش هم اینست که در یک چهارچوب عمومی تاریخی اینطور است. ولی معنی‌اش این نیست که هر کارگری توی خانه احساس قدرت میکند، چون کارگر است فکر میکند دولت ازش میترسد، یا فکر میکند چون ما کارگریم جلو ما عقب خواهند نشست. بیشترین خشونت را علیه طبقه کارگر میکنند، بیشترین شلیک را به او میکنند. اتفاقاً برعکس است. دانشجو، روشنفکر، اتحادیه پزشکان، یا اتحادیه فارغ التحصیلان است که میگوید من را نمیتوانند کاری بکنند، چون میگوید اگر من را بگیرند، در خارج کشور جنبش دوم خرداد به همه وکلای جهان خبر میدهند. موقعی که یک رهبر تحکیم وحدت را میگیرند بی بی سی میگوید، اما در آن فاصله معلوم نیست چند تا رهبر اعتصابی اعتراضی کارگری را گرفتند، بردند، زدند، آوردند تحویل دادند، اسمش را کسی نمیداند. در نتیجه اینطور فکر نکنید که کارگر بنا به تعریف، خودش هم احساس قدرت میکند. چون در روند تاریخی ناچی جامعه است، چون در روند تاریخی قدرت جنبش آزادیخواهی را نمایندگی میکند، هر کارگری توی خانه خودش هم احساس قدرت میکند

یک فعال سیاسی به یک جنبش واقعی است. جنبش زنان هم نمیباید بگوید خانمی یا خامنه‌ای برود یا نرود، میگوید حجاب اجباری را لغو کنید، و همین یک جمله جمهوری اسلامی را نابود میکند. در نتیجه بنظر من تلاش بیش از حد برای سیاسی کردن طبقه کارگر، یعنی تلاش نمایشی برای سیاسی کردن طبقه کارگر، نباید کرد. کارگر وقتی خودش به این مرحله برسد که قدرت را در دسترس ببیند و فکر کند میشود رفت، همه این بحثهای اقتصادی‌اش را کنار میگذارد و میگوید حکومت بدست ما، یا همه حکومت به شوراها، یا زنده باد حزب کمونیست کارگری یا جنبش کمونیستی کارگری. ولی الان که داریم نگاه میکنیم به دانشجوها، تحکیم وحدت در خرم آباد جلسه دارد، مثل این است که صنعت نفت هم اعتصاب خودش را بکند. راجع به قدرت کارگر در ذهنیت یک کمونیست، طبقه کارگر پدیده

و به کارگر نمیتوانند دست بزنند. اینطور نیست. برعکس است. در جامعه کاپیتالیستی به بچه‌های بورژوا نمیتوانند دست بزنند، خیلی نمیتوانند با صاحبان کارخانه‌ها خشونت بکنند، مجبورند برسمیت شان بشناسند و با آنها کنار بیایند. ولی کارگر را میزنند. آنچه که ما به آن قدرت طبقه کارگر میگوییم باید بمعنی بالفعلش از درون بیثباتی موجود بوجود بیاید. و اینجاست که بنظر من چند تا فاکتور مهم است:

یکی اینکه جنبش مراحل واقعی خودش را برای قدرتمند شدن طی بکند. کارگر را به تظاهرات کشیدن اشتباه است. چرا میخواهی ببری تظاهرات؟ کارگر قدرتش در تظاهرات نیست، جنبش دانشجویی قدرتش در تظاهرات است. کارگر، لزوماً، قدرتش در تظاهرات نیست، یک فازی از مبارزه کارگری ممکن است تظاهرات باشد. ولی جنبش کارگری قدرتش در اهرمهای تولید است که بتواند بطور ادامه کار روی آنها تأثیر بگذارد. قدرت کارگر در موقعیتش در اقتصاد است. در نتیجه اگر کارگر هم ضربه اقتصادی به بورژوازی میزند، فکر نکنید که این شکل بدوی تری است نسبت به دانشجوهایی که جلو دانشگاه میآید یا بقیه در صفحه ۷

سایت حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

نشریه اینترنتی

ایران تریبون

بزودی منتشر میشود!

[www.iran-tribune.com](http://www.iran-tribune.com)

منتشر میشود!

سازمانده کمونیست

سر دبیر: اسد گلچینی

منتشر میشود!

حکمت

نشریه اتئوریک - سیاسی

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!